

عنوان مقاله:

فرآیند تکون معرفت دینی در فلسفه ابن سینا (با تاکید بر شناخت مجردات)

محل انتشار:

دوفصلنامه حکمت سینوی (مشکوه النور)، دوره 19، شماره 54 (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسندگان:

علی ارشدریاحی - دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه اصفهان

مجید صادقی حسن آبادی - دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه اصفهان

ربابه جلیلی بهابادی - دانشجوی دکتری حکمت متعالیه دانشگاه اصفهان

خلاصه مقاله:

در قرون اخیر در پرتو یافته های علمی و فلسفی، تحلیل پدیده معرفت، از اهمیت ویژه ای برخوردار است و از آنجایی که متعلق گزاره های دینی از دسترس حواس بشر خارج هستند، تو جیه باورهای دینی و احراز صدق آن ها از مباحث مهم و چالش برانگیز معرفت شناسی غرب محسوب می شود. در این نوشتار، سعی بر آن است که در راستای بررسی فرآیند تکون معرفت دینی از نگاه ابن سینا وجستجوی الگوی معرفت شناسی وی، به باز خوانی آراء او در شناخت جواهر مجرد و مفارق پرداخته شود. از نظر حکمای مشاء علم، حصول صورت اشیا در ذهن است که از طریق مواجهه با شیء خارجی و تجرید صورت حسی به دست می آید؛ اما مواجهه حسی با موجود مفارق ممکن نیست. پس چگونه می توان به شناخت حقایق ماوراءالطبیعی نایل شد در نظام حکمت سینوی اتصال به موجودیمجرد (عقل فعال)، کلید و رمز معمای معرفت است و شناخت موجود مجرد نیز با اتصال عقل به آن صورت می گیرد. غالب محققان ابن سینا را فیلسوفی قرینه گرا می دانند؛ چرا که او برای اثبات صدق باور خود دلیل اقامه می نماید. اما از آنجایی که معرفت شناسی وی بر اتصال با عقل فعال مبتنی است، روش معرفتی او را قرینه گرایی اشراقی می توان نامید. و بدین ترتیب الگوی معرفتی شناسی ابن سینا را از سایر الگوهای قرینه گرا متمایز نمود.

کلمات کلیدی:

معرفت شناسی دینی، معقولیت ذاتی، عقل فعال، قرینه گرایی اشراقی، ابن سینا

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/703549>

